

# برخی از اصول مهم در رجوع و مطالعه قرآن

شناخت مهم‌ترین اصول در مراجعه به قرآن

هر کسی برای استفاده و بهره‌برداری از هر منبعی ابتدا لازم است در خصوص اهمیت و ضرورت مراجعه خویش به آن آگاه شود. هر چه این آگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد مراجعه او نیز از عمق بیشتری برخوردار خواهد بود. روایات اهل بیت علیهم السلام ما را به اهمیت رجوع به قرآن آگاه ساخته، ضرورت مراجعه به کلام الهی و وحی را یادآوری می‌کنند. بر این اساس، علم و یقین به اصول استخراج شده زیر در رجوع به قرآن ضروری به نظر می‌رسد.

مهم‌ترین اصل که توجه به آن در مراجعه به قرآن ضروری است فهم این مطلب است که:

قرآن، کلام خدا یعنی کلام رب، مالک و اله عالم است که بر قلب نازنین بهترین شخصیت عالم نازل شده و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار انسان قرار داده شده است. در واقع با نزول قرآن تمام اسرار عالم به انسان انتقال یافته است. سایر اصول مراجعه به قرآن را که به نوعی به این اصل جامع برمی‌گردد، می‌توان از متون روایی به دست آورد.

## اصل اول

قرآن به عنوان مهم‌ترین رافع نیاز انسان، عطایی منحصر به فرد برای اوست. هیچ چیز به اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند.

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الْحَالُ الْمُرتَحِلُ قُلْتُ وَ مَا الْحَالُ الْمُرتَحِلُ قَالَ فَتَحُ الْقُرْآنِ وَ خْتَمُهُ كُلَّمَا جَاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَرَ عَظِيمًا وَ عَظَّمَ صَغِيرًا<sup>۱</sup>

زهري گوید به حضرت علی بن الحسین علیه السلام گفتیم: کدام عمل بهتر است؟ فرمود: عمل حال مرتحل (در آید و کوچ کند) گفتیم: حال مرتحل چیست؟ فرمود: فرد خواندن قرآن را آغاز کند و به انجام رساند و هر زمانی که از اول قرآن شروع کرد تا آخر برساند. سپس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: به هر کس خدا قرآن را عطا

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۷

کرد و او پندارد که خدا به دیگری بهتر از او عطایی داشته است، حتماً بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ شمرده است.

نکاتی از روایات:

۱. برای استفاده از قرآن باید نیازهای خود را شناخت و برای برطرف کردن آنها باید به سوی قرآن کوچ کرد.
۲. کوچ کننده باید تا رسیدن به مقصود خود سعی و مجاهدت کند.
۳. کسانی که به قرآن مراجعه می‌کنند لازم است قدر قرآن را دانسته و با اطمینان به اینکه قرآن به همه نیازهای آنها پاسخ می‌دهد به آن مراجعه کنند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ وَلَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَإِلَّا مَا بِهِ غِنَى<sup>۲</sup>

هر که قرآن را بخواند، بی‌نیاز شود و پس از آن نیازی ندارد و گر نه به هیچ بی‌نیازی دست نیابد.  
نکاتی از روایات:

۱. قرآن سببی مستقل برای برطرف کردن نیازهای انسان است.
۲. کسی که به قرآن رو آورد و برطرف شدن نیازهای خود را از قرآن طلب کند، همیشه بی‌نیاز می‌شود.
۳. کسانی که از مفاهیم قرآن دور هستند به هیچ غنایی دست نمی‌یابند.

## اصل دوم

درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی آیات قرآن وابسته است. لذا هر چه انسان به این مفاهیم انس بیشتری داشته باشد، از رفعت، شکوه و درجه بیشتری نزد خداوند (در دنیا و آخرت) برخوردار است.

عَنْ حَفْصِ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِرَجُلٍ أَوْ تَحِبُّ الْبَقَاءَ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ وَ لِمَ قَالَ لِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَسَكَتَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ بَعْدَ سَاعَةٍ يَا حَفْصُ مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا وَ شَيْعَتِنَا وَ لَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ لِيُرْفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ اقْرَأْ وَ اِرْقُ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى قَالَ حَفْصُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَرَجَى النَّاسِ مِنْهُ وَ كَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا<sup>۳</sup>

حفص گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم به مردی می‌فرمود: تو دوست داری در دنیا بمانی؟ در پاسخ گفت: آری، فرمود: برای چه؟ جواب گفت: برای خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و امام علیه السلام چیزی نگفت: و پس از ساعتی فرمود:

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۷

<sup>۳</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۵

ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب نداند، در قبر به او یاد دهند تا خدا به وسیله آن درجه‌اش را بالا برد، زیرا درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است، به او گفته شود: بخوان و بالا رو و می‌خواند و بالا می‌رود، حفص گوید: من احدی را ندیدم بر خود بترسد چون موسی بن جعفر، و احدی را ندیدم از آن حضرت امیدوارتر باشد و قرآن خواندنش با اندوه بود، و چون قرآن می‌خواند گویا با کسی سخن می‌گفت.  
نکاتی از روایات:

۱. درجات بهشت بر اساس علم و عمل مبتنی بر قرآن تعیین می‌شود.
۲. شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام برای دریافت درجات بهشتی در قبر مورد تعلیم قرآن قرار می‌گیرند.
۳. انسان هرگاه قرآن می‌خواند به گونه‌ای باید بخواند که گویی خدا را می‌بیند.

### اصل سوم

قرآن برای کسی که آن را یاد گرفته، همراه و معلّمی دائمی است و چنین شخصی را به درجات عالی رهنمون می‌سازد. شرط این تعلیم و ترفیع، تمسک به مضامین آن است.

عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي كُنْتُ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَفَلَّتْ مِنِّي فَادَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِيهِ قَالَ فَكَانَهُ فَنِعَ لِذَلِكَ فَقَالَ عَلَّمَكَ اللَّهُ هُوَ وَإِيَّانَا جَمِيعًا قَالَ وَنَحْنُ نَحْوُ مِنْ عَشْرَةٍ ثُمَّ قَالَ السُّورَةُ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ قَدْ قَرَأَهَا ثُمَّ تَرَكَهَا فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَتُسَلَّمُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَتَقُولُ أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَكَذَا فَلَوْ أَنَّكَ تَمَسَّكَتَ بِي وَأَخَذْتَ بِي لَأَنْزَلْتُكَ هَذِهِ الدَّرَجَةَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ فُلَانٌ قَارِئٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَلَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَنْتَفِعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَلَيْلِهِ وَنَهَارِهِ<sup>٤</sup>

يعقوب احمر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت، راستی که من قرآن را یاد گرفتم و از دستم رفت، به درگاه خدا عزوجل دعا کن که آن را به من یاد دهد، گویا مانند اینکه آن حضرت از این گزارش در هراس شد و فرمود: خدا آن را به تو و ماها همه یاد بدهد -گوید: ما نزدیک ده کس بودیم- سپس فرمود: سوره‌ای است که همراه مردی بوده، آن را خوانده و سپس واگذارده است و روز قیامت در نیکوترین صورتی بیاید و بر او سلام دهد، او می‌گوید: تو کیستی؟ جواب می‌دهد: من سوره چنان و چنانم و اگر مرا با تمام وجود دریافت کرده بودی و نگاه داشته بودی، تو را به این درجه می‌رسانیدم، بر شما باد به ملازمت قرآن. سپس فرمود: برخی مردمند که قرآن را می‌خوانند تا گفته شود: فلانی

<sup>٤</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۸؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۱۰

قرآن خوان است و برخی باشند که قرآن می‌خوانند برای به دست آوردن دنیا، در اینها خیری نیست و برخی باشند که قرآن می‌خوانند تا در نماز شب و روز، خود از آن سود ببرند.

نکاتی از روایات:

۱. علم قرآن باید به گونه‌ای باشد که موجب فراموشی نشود.
۲. سوره‌های قرآن دارای شأن و قدری هستند که روز قیامت به صورت انسانی خوش سیما ظاهر می‌شوند.
۳. تمسک به قرآن لازمه همراهی دائمی با سوره‌های قرآنی است.
۴. مطالعه قرآن می‌تواند به قصد دنیا طلبی باشد. لذا لازم است مراجعه به قرآن را خالصانه و برای به کارگیری و تفکر خواند و یاد گرفت.

قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ عَلِيَّ دِينًا كَثِيرًا وَقَدْ دَخَلَنِي مَا كَانَ الْقُرْآنُ يُتَفَلَّتُ مِنِّي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُرْآنَ الْقُرْآنَ إِنَّ الْآيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ وَالسُّورَةَ لَتَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تَصْعَدَ أَلْفَ دَرَجَةٍ يَعْنِي فِي الْجَنَّةِ فَتَقُولُ لَوْ حَفِظْتَنِي لَبَلَّغْتُ بِكَ هَاهُنَا<sup>ه</sup>

يعقوب احمر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من بدهکاری بسیاری دارم و تا آنجا اندوه و پریشانی به دلم راه یافته که قرآن را از دستم ربنده است و فراموشم کرده، امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن، قرآن، راستی که یک آیه از قرآن و یک سوره از آن روز قیامت می‌آید تا هزار درجه بالا می‌رود، یعنی در بهشت و می‌گوید: اگر تو مرا با خود نگهداشته بودی، تو را به این مقام می‌رسانیدم.

نکاتی از روایات:

۱. یادگیری سوره‌ها و مطالعه و دقت در مضامین آنها مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام است.
۲. روزمرگی دنیا و سختی‌های آن نباید انسان را نسبت به حفظ و یادگیری سوره‌ها و آیات سست کند.

## اصل چهارم

انسان با قرآن می‌تواند توفیق دست‌یابی به درجاتی از نبوت را داشته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ تَوَاضَعْ بِهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ وَلَا تَعَزَّزْ بِهِ فَيُذِلَّكَ اللَّهُ يَا

<sup>ه</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۸؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۱۱

حَامِلَ الْقُرْآنِ تَزِينٌ بِهِ اللَّهُ يُزِينُكَ اللَّهُ بِهِ وَ لَا تَزِينُ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينُكَ اللَّهُ بِهِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا أُدْرِجَتْ النُّبُوءُ بَيْنَ جَنبَيْهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ وَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنَوَلُهُ لَا يَجْهَلُ مَعَ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَ لَا يَعْزُبُ فِيمَنْ يَعْزُبُ عَلَيْهِ وَ لَا يَحِدُّ فِيمَنْ يَحِدُّ وَ لَكِنَّهُ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ وَ يَغْفِرُ وَ يَحْلُمُ لِنِعْظِيمِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَ حَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ<sup>٦</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سزاوارترین مردم به ترس از خدا در نهان و عیان، دارای علم به قرآن (حامل قرآن) است و راستی که سزاوارترین مردم در نهان و عیان به نماز خواندن و روزه گرفتن، حامل قرآن است، سپس با صوتی بلند خطاب کرد: ای حامل قرآن! به وسیله آن، تواضع پیشه کن تا خدایت بالا برد و آن را وسیله عزت طلبی و تکبر مساز که خدا خوارت کند، ای حامل قرآن! خود را با آن برای خدا بیارای تا خدا تو را بیاراید و خود را بدان برای مردم میارای که خدا بدو تو را زشت کند، هر که قرآن را ختم کند گویا نبوت را در دل خود جای داده است ولی نه به وسیله وحی؛ و هر که قرآن را جمع کند و آن را درک کند، در برابر کسی که با او نادانی کند، بردبار باشد و در برابر هر که به او خشم کند، شکیبیا باشد و خشم نکند و در برابر هر که به او تندی کند، تند نشود ولی بگذرد و چشم پوشد و بیامرزد و بردبار باشد به خاطر تعظیم قرآن و هر که قرآن بدو داده شده است و گمان برد به کسی بهتر او داده شده، هر آینه آنچه را خدا کوچک شمرده، بزرگ دانسته و آنچه را خدا بزرگ دانسته، کوچک شمرده است.

نکاتی از روایات:

۱. نحوه رجوع به قرآن متفاوت و دارای مراتب است:

الف. «حامل قرآن» کسی است که به مضامین و مفاهیم بخش‌هایی از قرآن آگاه است.

ب. «ختم کننده قرآن» کسی است که به واسطه نزدیک شدن به قرآن به مقام نبوت نزدیک شده است.

ج. «جمع کننده قرآن» کسی است که قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی جاری سازد.

د. «دارندگان قرآن» کسانی هستند که به نحوی از قرآن بهره دارند.

۲. برای هر یک از افراد فوق در قبال علمشان به قرآن انتظاری وجود دارد. مراتب این افراد را از انتظاراتی که برای آنها در نظر گرفته شده است، می‌توان فهمید.

### اصل پنجم

کسی که قرآن می‌خواند گویی تمام کتب انبیای گذشته را خوانده است.

<sup>٦</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۴؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُعْطِيَتْ السُّورَةُ الطَّوَالُ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَأُعْطِيَتْ الْمِثْنَانِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيَتْ الْمَثَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ وَفُضِّلَتْ بِالْمُفَصَّلِ ثَمَانٌ وَ سِتُونَ سُورَةً وَ هُوَ مُهَيْمِنٌ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ وَ التَّوْرَةُ لِمُوسَى وَ الْإِنْجِيلُ لِعِيسَى وَ الزَّبُورُ لِدَاوُدَ<sup>٧</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به من سوره‌های طولانی داده شده به جای تورات، و سوره‌های صد آیه‌ای داده شد به جای انجیل و سوره‌های مثنایی به من داده شد به جای زبور، و سوره‌های مفصل (یعنی آیه کوتاه) را که شصت و هشت سوره است افزون به من دادند و این قرآن نگهبان و گواه بر کتاب‌های دیگر است و تورات از موسی علیه السلام است و انجیل از عیسی علیه السلام و زبور از داود علیه السلام است.

### اصل ششم

قرآن منبع نور، هدایت و علم است برای کسی که از آن بهره ببرد.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابَهُ اَعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ هُدَى النَّهَارِ وَ نُورُ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ عَلَى مَا كَانَ مِنْ جُهْدٍ وَ فَاقَةٍ<sup>٨</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: در سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش بود که: بدانید همانا قرآن برای هر کوشش و فقر، راهبری برای روز و نوری برای شب تار است.

نکاتی از روایات:

۱. قرآن به عنوان هدایتگری همیشگی است.

۲. انسان هم در گشایش و هم در سختی‌ها نیازمند به قرآن است.

### اصل هفتم

سزاوار است تا پایان عمر به یاد دادن و یادگرفتن قرآن اهتمام داشت.

قال الصادق عليه السلام قال: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ<sup>٩</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد بگیرد یا در کار یاد گرفتنش باشد.

نکاتی از روایات:

۱. فراگرفتن قرآن برای هر مسلمانی لازم است.

۲. صرف داشتن ایمان برای فرد کمال نمی‌آورد.

<sup>٧</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۱

<sup>٨</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۰؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

<sup>٩</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۷؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۹

## اصل هشتم

قرآن سبب فعال شدن تفکر حقیقی و حیات بخش است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى فَلْيَجْلُ جَلَّ بَصَرَهُ وَ يَفْتَحْ لِضِيَاءِ نَظَرِهِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ<sup>۱۰</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا این قرآن (کتابی) است که در آن است جایگاه نور هدایت و چراغ‌های شب تار، پس شخص تیزبین باید در آن دقت کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشه کردن، زندگانی دل بینا است، مانند آنکه جویای روشنی است که در تاریکی‌ها به سبب نور راه پیماید.

نکاتی از روایات:

۱. انسان برای تشخیص در زندگی نیازمند به کارگیری عقل و خرد خود است.
۲. برای به کارگیری عقل و خرد، نیازمند تفکر است.
۳. برای فعال شدن تفکری جهت‌دار و رو به سوی مصالح و نیازهای حقیقی‌اش، نیازمند هدایتگر است.
۴. قرآن راه را برای تفکر و تعقل و در نهایت حیات حقیقی برای انسان می‌گشاید.

## اصل نهم

تلاوت قرآن جلا دهنده قلب است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَتَّصِدُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ وَإِنَّ جَلَاءَهَا قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ<sup>۱۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این دل‌ها چون آهن زنگار می‌گیرد، و جلا و پاک کردن آنها به وسیله قرآن صورت می‌گیرد.

نکاتی از روایات:

۱. انسان در زندگی روزمره خود غبارآلود می‌شود.
۲. قرائت قرآن سببی برای دریافت معنویت است.

## اصل دهم

کسی که قرآن می‌خواند به گنج‌های بی‌نهایتی دست می‌یابد.

قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ فَكُلَّمَا فَتَحَتْ خَزَائِنَهُ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۰</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۰؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

<sup>۱۱</sup> إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۸؛ همان، ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۲۰۳

آیات قرآن گنجینه‌هایند و هر زمانی که گنجینه‌ای گشود، بر تو سزاوار است که نگاه کنی در آن چیست.  
نکاتی از روایات:

۱. در این روایات به توجه به ساحت آیات قرآن تأکید شده است.
۲. هر آیه‌ای گنج‌هایی از علم، معرفت و معنویت است که انسان برای دست‌یابی به آن نیازمند فتح و گشایش است.
۳. کلید فتح و گشایش، نظر با تعمق در آیات است.

### اصل یازدهم

خواندن قرآن نجات دهنده از مهلکه‌هاست.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا وَاللَّهِ لَا يَرْجِعُ الْأَمْرُ وَالْخِلَافَةُ إِلَى آلِ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ أَبَدًا وَلَا إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ أَبَدًا وَلَا فِي وَدٍ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ أَبَدًا وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ نَبَذُوا الْقُرْآنَ وَ أَبْطَلُوا السُّنَنَ وَ عَطَّلُوا الْأَحْكَامَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالٌ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ<sup>۱۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: امامت و خلافت هرگز به آل ابی بکر و عمر و نه به زادگان بنی‌امیه و نه در نسل طلحه و زبیر باز نمی‌گردد، زیرا آنان قرآن را به دور انداختند و سنت‌ها را باطل کردند و احکام را معطل گذاشتند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن هدایت کننده هر گمراهی و روشنگر هر نابینایی است و وسیله بازگشت و گذشت از هر لغزش است و روشنی است در تاریکی و پرتوی است در هر پیشامد (بدعت) و نگهداری از هر هلاکت است و رهیابی از هر گمراهی است و بیان است در مورد هر فتنه و اشتباه و وسیله رسیدن از دنیا به سعادت آخرت است و در آن است کمال دین شماها و هیچ کس از قرآن منحرف نشود جز به دوزخ سوزان.

نکاتی از روایات:

۱. خواندن قرآن با عمل به آن قرین است.
۲. اگر جامعه‌ای قرائت قرآن را کنار گذارد، در پذیرش حاکمیت دچار اشتباه می‌شود.
۳. سواد قرآنی به معنای شناخت مفاهیم و مضامین حقیقی آن است و این معنا بدون ثقل دیگر آن، یعنی اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر نیست.

<sup>۱۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۹؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۱۵

<sup>۱۳</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۳۹۱

۴. در جامعه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن به ظاهر خوانده می شد ولی در واقع آنها از قرآن بسیار دور بودند.

### اصل دوازدهم

همراهی با قرآن ایمنی دهنده از وحشت های دنیوی است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قرَأَ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ يُكْرَرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ<sup>۱۴</sup>

امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر همه مردم که مابین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از تنهایی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد، و آن حضرت علیه السلام شیوه اش این بود که هر گاه مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ را می خواند آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود بمیرد.

نکاتی از روایات:

۱. قرآن امنیت بخشی بزرگ و پناهگاهی عظیم برای دفع و رفع شرور و بدی هاست.

۲. ارتباط و انس با قرآن به معنای انس با مفاهیم آن است.

۳. این انس با تکرار آیات و ارتباط با آیات امکان پذیر خواهد بود.

### اصل سیزدهم

با مراجعه به قرآن می توان به اخبار همه هستی و آنچه مورد نیاز انسان است دست یافت.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ وَهُوَ الصَّادِقُ الْبَارُّ فِيهِ خَبْرُكُمْ وَ خَبْرٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ خَبْرٌ مِنْ بَعْدِكُمْ وَ خَبْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ لَوْ أَتَاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَبْتُمْ<sup>۱۵</sup>

امام صادق علیه السلام: راستی که عزیز جبار کتاب خود را بر شماها فرو فرستاده و او است که راستگو و نیک خواه است، در کتاب او است گزارش شما و گزارش هر که پیش از شما و گزارش هر که پس از شماست و گزارش آسمان و زمین و اگر بیاید نزد شما کسی که شما را از آن گزارش دهد، هر آینه به شگفت آید.

نکاتی از روایات:

۱. انسان برای رشد و تعالی خود نیازمند خبردار بودن است.

۲. از آنجایی که انسان با جنبه های مختلفی از هستی مرتبط است نیازمند خبر از جنبه های مختلف است.

۳. قرآن جامع بین اخبار است.

<sup>۱۴</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۲؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۳

<sup>۱۵</sup> کافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

۴. در خبردهی، صداقت و بخشندگی (عدم بخل) بسیار اهمیت دارد.

## اصل چهاردهم

کسی که قرآن می‌خواند از ویژگی‌های قرآن بهره‌مند می‌شود.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوْقُدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ وَ مِنْهَا جَأٌ لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ وَ شُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ وَ فُرْقَانًا لَا يُخْمدُ بُرْهَانُهُ وَ تَبْيَانًا لَا تُهدِمُ أَرْكَانُهُ وَ شِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ وَ عِزًّا لَا تُهْزِمُ أَنْصَارُهُ وَ حَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ غَدْرَانُهُ وَ أَثَافِيٌّ<sup>۱۶</sup> الْإِسْلَامِ وَ بُنْيَانُهُ وَ أَوْدِيَةٌ الْحَقِّ وَ غَيْطَانُهُ وَ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ وَ عَيْونٌ لَا يُنْضِبُهَا الْمَاتِحُونَ وَ مَنْاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ<sup>۱۷</sup> وَ مَنْازِلٌ لَا يُضِلُّ نَهْجَهَا الْمَسَافِرُونَ وَ أَعْلَامٌ لَا يعمى عَنْهَا السَّائِرُونَ وَ آكَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ جَعَلَهُ اللهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رَيْبَعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ وَ مَحَاجٍ لِبُطُونِ الصُّلَحَاءِ<sup>۱۸</sup> وَ دَوَاءٍ لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ وَ نُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ وَ حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ وَ مَعْقِلًا مَنِيعًا ذِرْوَتُهُ وَ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ وَ سَلِيمًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَ هُدًى لِمَنْ اتَّسَمَّ بِهِ وَ غَدْرًا لِمَنْ انْتَحَلَهُ وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ وَ فَلَجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ وَ حَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ وَ مَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَّ وَ جُنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّامَ<sup>۱۹</sup> وَ عِلْمًا لِمَنْ وَعَى وَ حَدِيثًا لِمَنْ رَوَى وَ حُكْمًا لِمَنْ قَضَى<sup>۲۰</sup>

سپس قرآن را بر او نازل فرمود:

قرآن نوری است که خاموشی ندارد،

چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد،

دریایی است که ژرفای آن درک نشود،

راهی است که رونده آن گمراه نگردد،

شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود،

جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد،

بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود،

شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت انگیز را بزدايد،

<sup>۱۶</sup> غدران جمع الغدير، و الاثافي، بالتشديد جمع اثفيه، بالضم و بالكسر الحجر يوضع عليه القدر.

<sup>۱۷</sup> الغوط و الغاط و الغوطه: المطمئن من الأرض و الجمع غياط و غيطان. و نصب أى نزع، و الماتح: المستقى من البئر بالدلو من أعلى البئر. و لا يغيبها أى

لا ينقصها. و الاكام جمع اكم و هو جمع أكمة و هى التل.

<sup>۱۸</sup> أصرع المكان: أخصب. و المحاج: جمع محجة.

<sup>۱۹</sup> استلام أى لبس اللأمة و هى الدرع أو جميع أدوات الحرب.

<sup>۲۰</sup> نهج البلاغه، ص ۳۱۶

قدرتی است که یاورانش شکست ندارند،  
و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند.  
قرآن، معدن ایمان و اصل آن است،  
چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم است،  
بوستان‌های عدل و چشمه‌های آن است،  
پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است،  
نهرهای جاری زلال حقیقت، و سرزمین‌های آن است.  
دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید،  
و چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد،  
محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی‌یابد،  
منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد،  
و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند،  
کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند.  
خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان،  
و باران بهاری برای قلب فقیهان،  
و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است.  
قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد،  
نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود،  
ریسمانی است که رشته‌های آن محکم،  
پناهگاهی است که قلّه آن بلند،  
و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند،  
محل امنی است برای هر کس که وارد آن شود،  
راهنمایی است تا از او پیروی کند،  
وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد،  
برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید،  
عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند،

نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند،  
و راهبر آن که آن را به کار گیرد،

و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد،

سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بپوشاند،

و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد،

و حدیث کسی است که از آن روایت کند،

و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند.<sup>۲۱</sup>

### نتیجه اصول

۱. هر چه اعتقاد به قرآن و راهگشایی آن در زندگی در فرد بیشتر باشد، خود را بیشتر نیازمند آن دیده، انگیزه بیشتری برای انس با آن در او به وجود می‌آید.

۲. هر کس دارای طهارت و تقوای بیشتر باشد استفاده او از قرآن بیشتر است. طهارت به معنای دوری از پلیدی‌ها در باور و عمل است و ملاک پلیدی را عقل و شرع مشخص می‌نماید.

۳. هر کس دارای قدرت تفکر، تامل و تمرکز بیشتر باشد امکان بهره‌مندی بیشتر از آیات نورانی قرآن را خواهد داشت.

۴. قرآن، نسخه هستی منطبق بر انسان کامل و نوشته بر سینه هر انسانی است.

۵. آشنایی با زبان قرآن در حد شناخت قالب‌ها در فهم آیات نورانی قرآن لازم است.

---

<sup>۲۱</sup> نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۴۱۹